

واضطرف دیگر در عقب سر ارتش ۳ فرانسه به وُور (Woëvre) قوذ یافت. از ۱ تا ۱۰ سپتامبر ارتش ۲ فرانسه در کران کورنه (Grand-Couronné) جدا ایستادگی کرد و حملاتی را که متوجه جنگل شامپنو (Champenoux) بود دفع نمود. قبلاً دیدیم که ژنرال سارای (Sarrail) از تهدیداتی که در دره موز بین سن میهیل (St. Mihiel) و ژنی کور (Génicourt) بعقب سر او متوجه بود مرعوب نگردید. ژنرال دو کاستلنو قوای از جناح چپ خود اعزام داشته و بدینوسیله وُور (Woëvre) و موز علیاراً از وجود دشمن پاک نمود.

از روز یازدهم، تأثیر فتح مارن در جناح راست فرانسویها محسوس گردید. دشمن قسمتی از قوای را که در مقابل ارتش یکم و دوم فرانسه داشت برداشت نمود، و بالنتیجه ارشهای ۲۹ فرانسه پیشروی قادر گشتند.

روز ۱۳، تمام اراضی فرانسه بین نانی و آوریکور (Avricourt) از دشمن تخلیه شده بود.

روز ۱۵ سپتامبر، ارتش یکم قوای خود را از وُور تا مُزل گسترده و جبهه ذیل را اشغال میکرد: نان - استوسوی - بوئم - بان دو ساپ - مویان موتیه - لاور دورت - لاوزوز - نومان - بنت آموسن - (Thann-Stosswihe-Bonhomme - Ban de Sapt - Moyenmoutiers - la Verdurette - la Vezouze - Nomeny-Pont-à-Mousson)

بدین طریق، ارتش مزبور حفظ تمام خاک مشرق مُزل را بر عهده گرفته بود. ارتش دوم، که آن نیز بجناح چپ منتقل شده بود، در همان تاریخ جبهه برن کور - آپرمن (Berncourt-Apremont) را اشغال نموده بود. و مأموریت ارتش مزبور این بود که جناح راست ارتش ۳ را پوشاند.

از طرف دیگر، تمام جبهه‌ای که بین سرحد سویس و موز امتداد داشت اینک میرفت که بزودی استقرار یابد، همانطوریکه جبهه بین موز و اوآز نیز در همان موقع مستقر میشد.

نتیجه نبرد مارن

آن فتح درخشان مارن که باعث تغییر در جریان بعدی جنگ گردید کجاست؟ در تمام محاربات این جبهه وسیع فتح تاکتیکی همه جا نصیب ارتش آلمان بود. ارتش آلمان پس از عقب رفتن به پشت رودخانه ان کما فی السابق موقبت تهدید آمیز خود را نسبت به پاریس حفظ کرد و همچنین مبداء مستحکمی برای تعرض بعدی خویش اشغال نمود. ولی در عین حال اهمیت فتح مارن حقیقتاً عظیم و تغییر جریان جنگ را باعث گردید. این اهمیت را بایستی در اثرات روحی آن نبرد جستجو کرد. نکات برجسته نبرد مزبور از قرار ذیل است:

۱ - در این جریان ما مشاهده میکنیم دشمنی که از لحاظ تاکتیکی مغلوب نشده بود خود را مغلوب شناخته، نه فقط محاربه را قطع میکند بلکه عقب نشینی هم اختیار مینماید. این موضوع که تسلیم شدن باراده دشمن است فقط در اثر خطرناک شدن موقبت استراتژیکی ارتشهای آلمان بوده است. در این مورد میبینیم که استراتژی نسبت بتاکتیک کاملاً فائق آمده و ژنرال ژفر که در اساس و پایه تمام عملیات خود فکر صحیح استراتژیک قرار داده بود آنرا با استقامت تام بموقع اجرا گذارده و نسبت بتاکتیک بسیار عالی ولی استراتژی بد این دفعه آلمانها غالب گشت.

۲ - نتایج حقیقی این نبرد از قرار ذیل است: اولاً عقب نشینی آلمانها به پشت رودخانه ان که در وضعیت کلی تغییر زیادی نداد، ثانیاً - صرف نظر کردن آلمانها از اجرای نقشه بدوی خویش زیرا تمام عواملی که نقشه مزبور بر آن استوار بود دیگر وجود نداشت.

۳ - اهمیت روحی فتح مارن خیلی بزرگ بود: فرانسویها روحاً و معنأ تغییر کردند، آنها فشار روحی شکست ۱۸۷۰ و فکر شکست ناپذیری ارتش آلمان را از خود دور کردند. تمام کشور هم اینک بامکان نیل بفتح امیدوار گشت. ارتش فرانسه هم آن عادت زبان آور عدم اراده و نصمیم را که در نبرد سرحدات نشان داده بود از خود دور ساخت.

۴ - از طرف فرانسویها بایستی توسعه فکر ژنرال ژوفر را تحسین کردیم که در موقع باریک مسئولیت عقب نشینی و دادن خاک فرانسه را بآلمانها بعهده گرفت و توانست تا موقع مقتضی تأمل نموده و فقط وقتی بمعرض میایدت کند که نااندازه، از موفقیت خود اطمینان حاصل کرده باشد.

شجاعت و فداکاری سربازان فرانسه که بعد از ده روز عقب نشینی و صدمات فوق العاده قوای روحی خود را از دست نداده و بفرمان رؤسای خود عقب گرد کرده و حمله نمودند، قابل تقدیر است.

نبرد مارن از طرف فرانسویها در همه جا از روی اراده مانور شده، قسمتهای احتیاطی را از نقطه ای برداشته بنقطه دیگر که لازمتر بود با سرعت کمان سوق میدادند بطوریکه همیشه در جبهه تعادل حاصل بود در صورتیکه میتوان گفت آلمانها نبرد مزبور را بدون قصد معین بهمان حالیکه بودند شروع کردند.

۵ - نبرد مزبور بکمربنده دیگر ثابت میکند که در جنگ فتح و شکست منوط بمتانت و پایداری است، بعضی اوقات بسته باتفاقات کوچکی است که دو نظر اول ناقابل میآید. فرانسویها در صدد احاطه جناح آلمانها بودند و آلمانها برای شکافتن مرکز آنها کوشش داشتند. اقدام بولو که در صدد شکافتن مرکز فرانسویها بود نسبت باقدام فرانسویها که میخواهند جناح کلوک را احاطه کنند در آخر نبرد، بیشتر نزدیک بکامیابی بود.

مسائل ذیل را میتوان گفت که مربوط باترات نبرد مارن است:

- ۱ - ژنرال فالتکه از ریاست ستاد ارتش آلمان منصل شد و ژنرال فون فالکن هاین (Von Falkenhayn) جانشین وی گردید. گرچه این موضوع بنظر عادی میآید ولی میبینیم که در جریان سالهای بعد جنگ تأثیر بخشید چه بین فالکن هاین و دو شخص متفرد دیگر: هیندنبورگ و لودندرف اختلاف نظر حاصل شد.
- ۲ - ایتالیا بطور قطع بمتفقین متمایل گشت، گرچه هنوز آشکار نکرده بود.
- ۳ - تمام مساعی طرفین ندریجاً بسمت مغربوردن تمرکز یافت و هر دو دشمن

در موقع جریان عملیات و بعد از آن با اعزام چند سپاه بآن حدود اقدام نمودند . مبارزه در ناحیه لرن خاموش شد .

۴ - در ناحیه ان قوای جنگی طرفین مساوی بود ، جبهه آنجا ثابت شده و مقدمه جنگ موضعی گردید . برای اجرای مانور و جنگ متحرك لازم بود که در جستجوی جهات دیگری بر آیند .

در نبرد مارن ۹۰۰ هزار قراآلمانی و قریب يك بلیون فرانسوی شرکت داشتند .

تعاقب بعد از فتح مارن (قشه شماره ۱۲)

فتح مارن پی ددی ناپید میگردد . از تاریخ ۱۱ سپتامبر ، تمام ارتشهای متفقین دشمن را تعاقب میکردند .

فرمانده کل فرانسه مانور ذیلرا در نظر گرفته بود : بوسیله ارتش ۶ عمل احاطه جناح راست دشمن را تعقیب کند تا او را از پیدا کردن فرصت جهت خود آرائی و استقرار قوام منع شود ، و بوسیله ارتش ۹ از شکافی که در آرایش دشمن بین نیروی کلوک و بولو از یکطرف و ارتشهای ۳-۴ و ۵ آلمان از طرف دیگر پیدا شده بود استفاده کند ، ارتش فرانسه دسپری بنا بر مقتضیات اوضاع ، بوسیله جناح چپ ، نیروی فرنچ و مونوری را پشتیبانی کند و با جناح راست بنیروی فنش و دولانگل کمک نماید .

فرماندهی آلمان از نهدید احاطه ای که متوجه جناح راست وی بود بهسوت اجتناب کرد ؛ زیرا ارتش مونوری که اصرار میورزید در ساحل چپ او آز بجناح مزبور دست یابد طولی نکشید که با آن درگیر افتاد .

راجع بشکاف موجوده بین بو لو و هائوزن ، آلمانها موفق شدند با اعزام سپاه ۱۵ که از لرن آمده بود و سپاه ۷ احتیاط که در اثر سقوط موبوژ آزاد شده بود شکاف مزبورا مسدود سازند .

نیروی آلمان که مجدداً خود آرائی نموده بود توقف کرده و برای مقاومت حاضر گردید .

اعطای مدال نظامی به فاتح وارن



رئیس جمهوری فرانسه میرو پولاکاره در موقع اعطاء مدال نظامی به ژنرال ژفر لنگ ذیل را ایراد نمود : « از روزی که تبرکرتوای فرانسه در تحت اداره و فرماندهی شما بوجه احسن صورت گرفته است ، مرهدایت ارتش ای ما خصائل شایسته را ابراز داشته اید که بهیچوجه قابل انکار نیست ، من جمله قریحه خاصی که در تشکیلات و انتظامات و اسلوب کار نشان داده اید و تأثیرات سودمند آن از محیط اسرارآمیزی تا محیط تافکتیک بسط یافته است ، روره غرمدانان و همین و هوش آزموده شما همیشه بر حوادث نیر منظره ذیق و غالب بوده است ، قدرت روح شما بحدی بوده که هیچ چیز قادر به تزلزل آن نبوده و بالاخره روشی عنبر و بلندی همت شما در همه جا بهترین سرمدتی اعتماد و لرید بوده است . »

در روزهای ۱۲ و ۱۳ ارتشهای متفقین در خط ذیل با نیروی دشمن مصادف شدند :

ارتش ۶ : در جلگه‌های شمال‌ان‌پین تا نسل و سواسن (Nampcel- Soissons)

ارتش انگلیس : در شمن بدمام (Chemin des Dames)

ارتش ۵ : در خطبری اوباک - بریمن - لا پمیل (Berry- au- Bac-Brumont-

La Pompelle)

ارتشهای ۴ و ۹ : در خط پرونه - سوئن - برت له هور لو - ویل سور تورب - سرؤن -

پنار ویل - (Prunay-Souain-Perthes-les-Hurlus-Ville-sur-Tourbe -

Servon- Binarville)

ارتش ۳ : در خط وارن - مالانکور - بوادو فرژ - ساموینو - ژومل دُرن -

(Varenne-Malancourt-Bois deForges-Samogneux-Jumelles d'Ornes)

نبرد ان (نقشه شماره ۱۲)

این جبهه که آلمانها خود را با عجله در امتداد آن تقویت مینمودند از میدان نبردی میگذاشت که مجدداً عرصه مبارزه میگرددید .

نیروی متفقین بشکافتن مرکز دشمن و یا احاطه جناح راست او موفق نشده و اینك يك سلسله محارباتی مبادرت میکردند و این محاربات رفته رفته بصورت عملیاتی که دارای هدفهای محدودی بود درمیآمدند .

از ۱۵ تا ۱۷ سپتامبر ، ارتش ۶ فرانسه بدون هیچ نتیجه‌ای برای احاطه جناح راست دشمن بین اوآز و ان کوشش نمود ، ارتش انگلیس يك سر پل -

(tête de pont) در شمال ان بدست آورده ، و ارتش ۵ برای ظهور بین گرائن (Craonne) و بری اوباک (Berry - au-Bac) تلاش میکند .

از ۱۷ تا ۳۰ سپتامبر ، دشمن اقدام بتعرض مینماید ، ارتش ۶ را در ساحل چپ اوآز استقرار داده بخود مشغول میدارد ، انگلیسها را بکنار ان عقب میراند ، و پیشرفت ارتش ۵ را متوقف میسازد .

توانسته اند تا اکتبر و در روزهای اول نوامبر ، فرانسویها برای منع دشمن از برداشتن (قوای از جبهه) این برای تقویت مانور شمال او از حملات جزئی مبادرت کردند (مخصوصاً روز ۱۲ اکتبر در مقابل ارتش ۵) ، روز ۲۶ و ۲۷ اکتبر ، آلمانها یک حمله مشترکی که با نبرد سانتر (Santerre) و ناحیه بایم (Bapaume) تصادف میکرد مبادرت نمودند .

نبرد سن میهیل (Saint-Mihiel) (نقشه شماره ۱۲)

موقعی که وقایع فوق کنار رود این جریان داشت ، آلمانها از ۲۰ تا ۲۵ سپتامبر مانوری در پیش گرفتند که هدف آن محاصره و مجزی نمودن وردن (Verdun) بود .

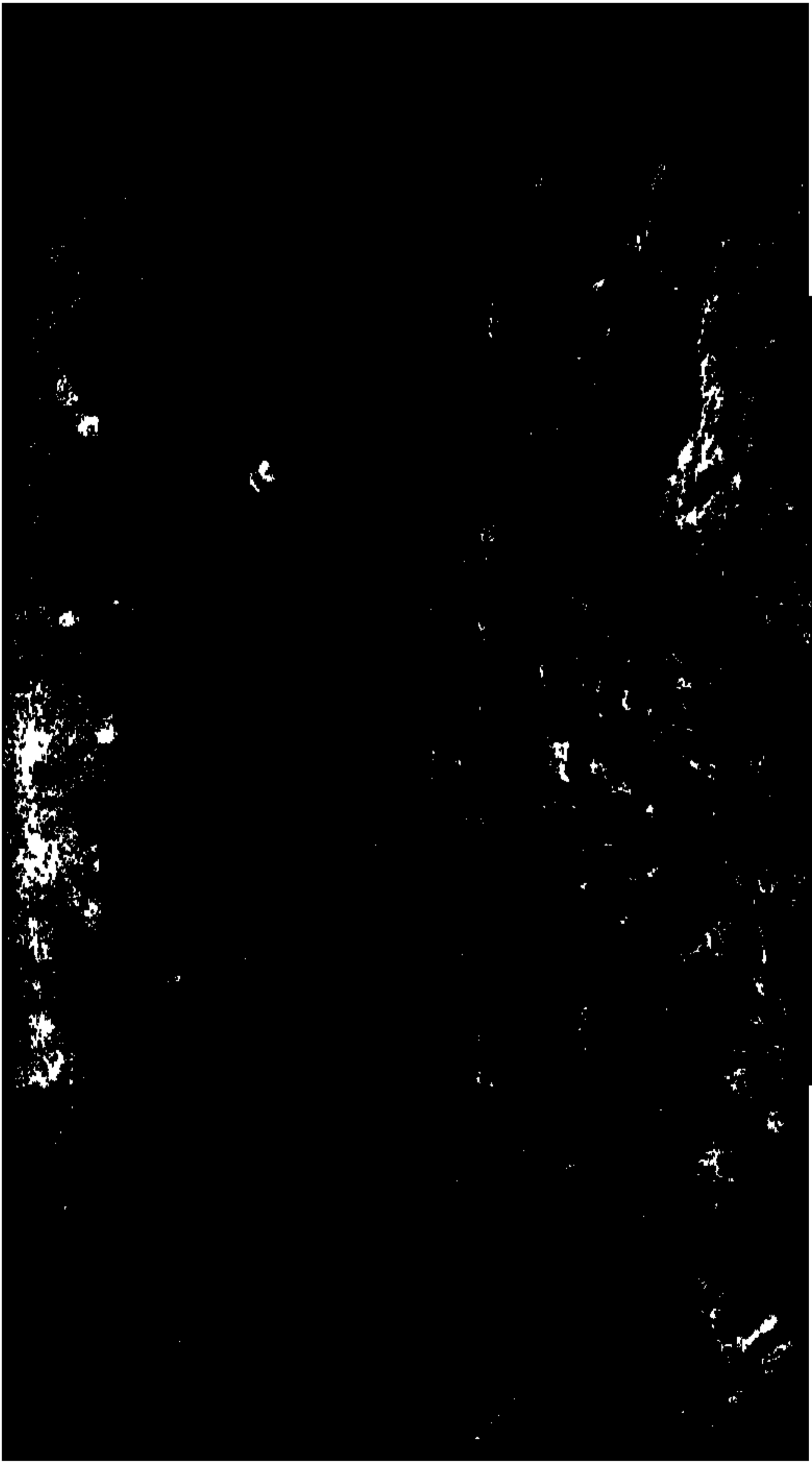
این مانور دو وصل مقارن را در برداشت :

یکی از آنها ، که بوسیله سپاههای ۱۳ و ۱۶ در محور وارن - کلرمن (Varenne - Clermont) اجرا میشد ، راه آهن وردن - سنت منهول -

(Verdun - S^{te} Menchould) را تهدید مینمود . عمل مزبور که در اراضی سب و در محل اتصال دو ارتش فرانسه هدایت میشد ، با وجود پیشرفت محدودی ، عاقبت در روز ۲۴ سپتامبر متوقف شد .

عمل دیگر ، که از غرب بشرق بوسیله سپاه ۵ ، سپاه ۳ باویر و سپاه ۱۱ در جبهه بین این (Etain) و من سک (Montsec) ممتد بود اجرا میگردد ، عمل مزبور بدشمن اجازه میداد که بکنار موز علیا قدم گذارد و بسن میهیل (St Mihiel) دست اندازی کند . فرانسویها نتوانستند دشمن را از آنجا خارج نمایند ، ولی خود او هم قادر نبود از آنجا خارج گردد .

موضوع اخیر نسبت به موضوع اولی برای فرانسویها نتایج وخیمتری در بر داشت ، زیرا هر سه موز علیا رخنه ای ایجاد نموده ، راه آهن ، جاده و ترعه کومرسی - وردن - (Commercy - Verdun) و همچنین قسمی بین بلر لودوک و کومرسی را



حلقه فرانسویها به سنگرهای آنها در نوزدان لاس (برابر دس) روز ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۴

دورشته بزرگ خطوط آهن نانی - کومرسی - پاریس از اختیار فرانسویها خارج مینمود.
ولی طولی نکشید که جبهه بین اوآز و موز استقرار گرفت ، زیرا مبارزه بسمت
شمال انتقال مییافت . هر دو دشمن قوای از جبهه های خود برداشت کردند ، نادر
مسابقه بطرف دریا ، شرکت جویند ، از طرفی نیز بحران شدیدی ، که از حیث فقدان
مهمات در اردوی هر دو طرف بمتها درجه حکمفرما بود ، آتش خورد را خاموش نمود .

جبهه روس و اطریش - نبرد گالیسی (نقشه شماره ۱۴) وضعیت و نقشه طرفین

تا ۵ سپتامبر وضعیت در جبهه روس و اطریش بصورت ذیل درآمد :
در طرف روسها :

۱ - در سمت راست ارتش چهارم ، از سپاه ۱۸ ، ۱۴ و قسمتی از سپاه گارد
وسپاه سوار نوویکو (Nowikov) تشکیل ارتش تحت ریاست ژنرال لچیتسکی
(Letchitsky) داده شد ، و ناحیه بین لوبلین و ویستول بآن ارتش واگذار گردید
و سوار نظام نوویکو در ساحل چپ ویستول قرار گرفت .

این ارتش روز ۴ سپتامبر با طریشها حمله کرده در خط اپوله - بیستریسا -
(Opole-Bystritza) جلو رفت ، سوار نظام نوویکو با قسمتهائیکه عبور سپاه
و یرش را با ساحل راست ویستول در یوزفوف و میوشاند در سولس (Solec) داخل
مغاربه شد .

۲ - وضعیت ارتش چهارم و ارتباط آن با ارتش پنجم پس از درهم شکستن
سپاه دهم اطریش در سوخودول (Soukhodol) استحکام یافت . ارتش چهارم ،
که قادر بتجدید عملیات عامل بود ، در جبهه یابلونا - لوبنیکی (Yablona-
Lopenniki) مستقر شد .

۳ - ارتش پنجم بحال دو گروه در مواقع ذیل : کراسنوستاو - مایدان اسکرسکی
(Krasnostaw- Maydan Skersky) (سپاه ۲۵ و ۱۹) و در بوسکو -

اوستیلوگ (Bousko - Oustiloug) (سپاه ۵ و ۱۷) قرار گرفتند و جلودار آن در گرویشوو (Orubieschow) که اطریشها تخبه کرده بودند استقرار یافت .
۴ - ارتشهای ۸ و ۳ پس از تصرف لامبرگ بطریق ذیل تمرکز یافتند : ارتش ۳ در شمال لامبرگ و ارتش ۸ در مغرب و جنوب غربی آن و حاضر می شدند که برای حفظ جناح چپ خود به میکولایف (Mikolajow) حمله کنند .

بموجب دستور ۳-۴ سپتامبر فرماندهی جبهه تمام ارتشها را مأمور حمله بدشمن برای درهم شکستن و راندن آن بسمت ویستول نمود . یعنی ژنرال ایواف از نقشه بدوی خود که قطع ارتباط اطریشها از کراکوی (Cracovie) و فشردن آنها به کارپات بود صرف نظر کرده و تمام عملیات را مبدل با اقدامات ساده و عقب راندن اطریشها نمود بهوض آنکه ضربت قطعی بآنها وارد سازد .

ارتشها مأمور بودند که بترنپ ذیل اطریشها را عقب بنشانند : ارتش ۹ بسمت یوزفوو (Jozefow) ، ارتش ۴ بطرف کراسنیک (Krasnik) ، ارتش ۵ بخط عمومی : توربین - کراسنوبرد (Turobin-Krasnobrod) ، ارتش ۳ بجبهه بلگورای - یاروسلاول (Bilgoraj-Jaroslaw) و ارتش ۸ حمله عمومیرا از طرف چپ تأمین میکرد .

بدینطریق ، از نقشه نخستین ایواف که نتایج بیشتری از آن انتظار میرفت اثری باقی نماند . ژنرال ایواف در صورتیکه بحران را طی کرده و پس از تصرف لامبرگ گروه ارتشهای خود را بصورت نیروی مجتمع مایوری در آورده بود و همچنین جناح راست قوای او هم قادر بمبور در ساحل راست ویستول بود ، معهدا مأموریت خود را محدود بعقب راندن ارتش اطریش بقب ویستول نموده و برای اطریشها خروج از کیسه ای که در آن افتاده بودند امکان پذیر ساخت .

این نظیری که بعلت نامعلوم در دستور فرماندهی کل حاصل شد اساس عملیات گالیسی را بکلی ضایع ساخت . علت اتخاذ این تصمیم را از طرف ژنرال ایواف یا بایستی مربوط بکوچکی فکر استراتژیکی او دانست و یا بواسطه نگرانی و ترسی دانست که



نار روس بکلا ۲ به اتفاق گراندوک نیکلا و ژنرال پانو شکویچ رئیس ستاد جبهه را بازدید مینماید

(مقاله صفحه ۱۵۸)

در اثر هلاکت ارتش ساسونوف برای او حاصل شده بود.

در طرف اطریشها :

۱ - ارتش یکم نه فقط حالت تدافعی اتخاذ نمود بلکه قدری هم عقب نشینی کرد؛ و اطریشها یگانه قوای احتیاط خود (سپاه و یرش) را ناچاراً بسمت شرق اعزام داشتند .

۲ - ارتش چهارم که زیاد بسمت شمال خلم پیشرفته بود نمیتوانست پس از آنکه روسها لامبرگ را تصرف کردند بتعرض خود ادامه دهد و مجبور بود عجله کند از آن کیسه ای که برای او تهیه میشد خارج شود

۳ - ارتش سوم که پس از عملیات لامبرگ ضعیف شده بود ولی متلاشی نگردیده بود در موضع مستحکم گورودوک (Gorodok) مجتمع گردید و در جناح راست آن، ارتش دوم که از سرحد صربستان رسیده و تازه فس بود در کومارنو (Komarno) و سامبور (Sambor) تمرکز یافت .

بدین طریق ، در اطراف ارتشهای اطریش در واقع يك دائرة محاصره ای تشکیل یافت .

برای آنکه ارتش چهارم مجال خارج شدن از این کیسه را پیدا کند لازم میآید که از جناح های روسها جلو گیری بعمل آید . ولی فرماندهی اطریش هنوز نمیخواست از امید نیل بفتح صرف نظر کند و مصمم شد که بوسیله تمام قوای خود پهلوی نهائی چپ روسها حمله ور شود .

لذا تصمیم گرفته شد که دوسپاه ضعیف را در مقابل ارتش پنجم روس گذاشته و بوسیله سپاه ویرش آرا تقویت کنند و بعد تمام قوای ارتشهای ۴ ، ۳ و ۲ را بر ضد ارتشهای ۳ و ۸ روس بکار برند . در اینموقع لازم میآید که ارتش ۴ جبهه ارتش سوم روس را متوقف ساخته و ارتشهای ۳ و ۲ به ارتش ۸ روس حمله کنند و آرا بسمت شمال برآند . برای اجرای این نقشه لازم میآید که ارتش ۴ اطریش از ارتش ۵ روس جدا شد و جبهه خود را از سمت شمال ، باره بندی بطیب ، بسمت مشرق تغییر دهد . فرماندهی اطریش در اینموقع دچار وضعیت بسیار مشکلی گردید : چه در اثر

حراتی که اطریشها برای اجرای تعرض بروز دادند زیاده از حد پیشرفته بودند، اکنون میخواستند که خود را از وضعیت سختی که ایجاد شده بود خلاص کنند ولی تمام قوای خود را به خطر انداخته و تصمیم جسورانه ای اتخاذ نمودند که با تمام قوای مجتمع خود با ارتشهای ناز و فن روس حمله ور شده و در صدد بازگرفتن لامبرگ نیز بر آیند.

جریان عملیات

عملیات بعدی جنگی طبیعتاً دو گروه بوجود آورد: یک گروه مرکب از ارتشهای ۹ و ۴ روس که بر ضد ارتش یکم اطریش (که بوسیله سپاه و برش جناح راستش تقویت شده بود) جنگ میکردند و گروه دیگر مرکب از ارتشهای ۳ و ۸ روس که بر ضد ارتشهای ۴، ۲ و ۳ اطریش مبارزه مینمودند.

سپاههای ارتش پنجم روس در دو سمت عملیات میکردند: دو سپاه جناح راست (۱۹ و ۲۵) با گروه سمت راست و دو سپاه جناح چپ (۱۷ و ۵) با ارتشهای ۳ و ۸. عملیات جنگی هر دو گروه را ممکن است بدو مرحله ذیل تقسیم نمود: مرحله یکم تا ۹ سپتامبر، مرحله دوم از ۹ تا ۱۳ سپتامبر.

مرحله یکم: در این مرحله تعرض جبهه ای ارتش های ۹ و ۴ روس خیلی بکندی پیش رفت داشت. ارتش یکم اطریش که موضع مستحکمی را اشغال کرده بود، نه فقط جداً دفاع میکرد بلکه غالباً به چندین حملات متقابل هم مبادرت میورزید، روسها برای تسهیل اجرای حمله جبهه ای ناچار شدند که در جناح ارتش یکم اطریش بوسیله سپاههای جناح چپ ارتش ۴ و سپاههای جناح راست ارتش پنجم خود (۲۵ و ۱۹) اقدام بعملیات نمایند. بدین منظور سپاههای ۲۵ و ۱۹ را بجهت یانوو - فرامپل (Janow-Frampol) سوق دادند.

۹ سپتامبر، قوای کاروگر نادیه روس موفق شد صککه بوسیله تهدید عقب سر اطریشها از طرف سپاههای ۲۵ و ۱۹ که بجهت انرج - گرای - فرامپل - (Otrotch-Goraj-Frampol) پیشرفته بودند آنها را از ارتفاعات زاراشو - نارناوکا (Zarachev-Tarnavka) خارج کند. پس از آن ارتش یکم اطریش شروع به عقب نشینی پیوسته به پشت سان نمود.

در گروه شرقی، ارتش چهارم اطریش به سہولت تماس را با ارتش پنجم روس قطع کرد، و دو سپاہ با قوای سوار نظام در مقابل آن باقی گذاشت .

روز ۳ سپتامبر آن ارتش که عبارت بود از سه سپاہ (۹-۶-۱۷) بخط نو ماشوو- کورچمین (Tomaszow-Kortchmine) رسید و ب سمت جنوب پیشرفته و جبهہ خود را بجانب شرق بخط راواروسکا - ماگیروو - کورینکی - Rawa-Ruska (Maghirouw-Kourniki) تغییر داد .

ارتش سوم روس در این موقع از لامبرگ ب سمت شمال غرب پیش میرفت کہ میبایستی بدین ترتیب با ارتش ۴ اطریش تلافی کند .

پس از یک سلسلہ محاربات تصادفی ارتش ۳ روس بجبهہ رادوستاو - راواروسکا ماگیروو (Radostaw-Rawa-Ruska-Maghirouw) رسید و با سپاہهای ۵ و ۱۷ ارتش ۵ کہ بجبهہ سینتو-تیشکونسی (Sitno-Tyczkowce) رسیده بود داخل ارتباط شد .

در همان موقع ارتش ۸ روس بوسیله تصرف میکولایو (Mikolajow) در ۷ سپتامبر جناح چپ خود را تأمین نموده و برای حفظ لامبرگ ، جبهہ ب سمت غرب ، از یانو تا میکولایو (Janow-Mikolajow) استقرار یافت .

ارتشهای ۲ و ۳ اطریش در موضع گوردوک (Gorodok) در طرفین این نقطه و در سمت جنوب تا کمارنو (Komarno) قرار گرفتند و جناح راست آنها متراکم بود .

در این حدود از ۶- سپتامبر شد بدترین حملات اطریشها به محل اتصال ارتش ۸ و ۳ روس در سمت یانو (Janow) و بر ضد جناح چپ ارتش ۸ روس شروع شد .

حملات آنها بی دربی بوده و تا ۱۲ سپتامبر ادامه داشت و در صدد ایجاد شکاف بین ارتش ۳ و ۸ بودند ولی موفق نگردیدند .

در اثر سخت شدن وضعیت ارتش ۸ روس جناح راست ارتش ۳ و جناح چپ ارتش ۵ بکمک او شتافتند . سپاہ ۲۱ ، کہ در جناح راست ارتش ۳ بود ، ب سمت جنوب

- ۱۶۲ -

برگشته ، و سپاه ۱۷۰۵ بجانب نو ماشو و جلو تر حرکت کرده و با تفاق سپاه ۲۱ بجبهه لوباچوو- راواروسکا یا (Lubaczow-Rawa-Ruska) رسیدند . با رسیدن قوای روس باین جبهه (۱۱-۱۲ سپتامبر) اطریشها مقاومت را از آن ، بعد بیحاصل شمرده اند .

مرحله دوم عملیات گروه شرقی شرح داده شده است . ولی گروه غربی (ارتشهای ۹ و ۴ روس) از ۹ سپتامبر با تائنی شروع بنعاقب ارتش یکم اطریش که پشت دسان ، عقب نشینی میکرد نمود ، و گذاشت که آن ارتش با کمال سهولت و راحتی از رودخانه عبور کرده و خود را (۱۲ سپتامبر) برودخانه دسان ، و دناو (Tanew) برساند .

عقب نشینی اطریشها و نعاقب آنها (نقشه شماره ۱۳)

وضعیت ارتش اطریش هنگری تا ۱۳ سپتامبر نزدیک بوخامت گردید . دشمن در سمت شمال در تمام طول جبهه از ویستول ، نزدیک ساندومیر (Sandomir) ، تا راواروسکا آنها را تحت فشار قرار داده بود . ارتش یکم اطریش که خطرناکترین سمت بین لوبلین و کراکوی را پوشانده بود ممکن بود با آمحالت شکست خورده و فرسوده در مقابل ارتشهای ۹ و ۴ نوامای روس سهولت تسلیم شود . در آن صورت راه کراکوی بر سایر ارتشهای اطریش مسدود میگردد . با چنین وضعیتی لازم میآمد که اطریشها در عقب نشینی خود عجله نمایند تا بقیه قوای خود را حفظ کنند ، فرماندهی اطریشهم همین موضوع را مقصود اصلی خود قرار داد .

در این عقب نشینی وسایل و مواد جنگی اهمیت نداده ، و آنها را به سهولت رها میکردند ، و تمام منظور اطریشها فقط فرات و ارتش بود که بالاخره هم بنگاهداری آنها موفق شدند .

فرماندهی روس با آن تشکیلات وجدبیتی که در نعاقب اطریشها ابراز میکرد بهتر و وسیله تسهیل عقب نشینی آنها را فراهم میساخت .

ژنرال ایواکف، چنانکه مسبقاً ، مدلی بود از نقشه اولی خود یعنی قطع راه عقب نشینی اطریشها به کراکوی (Cracovie) صرف نظر کرده ، و عقب راندن آنها را پشت و بستول و خارج ساختن از گالیسی مقصود خود قرار داده بود .

این منظور نزدیک بخاتمه بود ، ولی ایواکف در صدد استفاده بیشتری از فتح خود بر نیامد که بخیراهد با ارتشهای خود یک موقعیت استراتژیکی بهتری را برای عملیات بعدی بدست آورد ، فقط میخواست هر چه زودتر وسیله توقف قوا را فراهم سازد که پس از استراحت لازم آن را برای محاصره پریمیشل (Przemysl) بکار برد .

لذا تمام دستورات صادره فرماندهی جبهه دارای جنبه حزم و احتیاط در پیشروی بود و بهمین جهت عقبدار های اطریشها بجلو گیری از روسها موفق میگشتند .

مرکز جبهه هنوز فتح کامل خود مطمئن نبوده و از تعرض مجدد دشمن نگران بودند ، لذا اقدام بتشریک مساعی احتمالی ارتشهای همجوار مینمودند .

روز ۲۴ سپتامبر ارتشهای جبهه که عقبدار های اطریشها را پس مینشانند داخل خطر رود ویسلاوکا (Wysloka) از ویستول تارژشو و تارنوگورا - یاروسلاو - پریمیشل و لاورو (Rzeszow-Tarnogora-Jaroslaw-Przemysl-Lawrow) شدند ،

پریمیشل (Przemysl) از طرف ارتش سوم روس محاصره شده بود .

ارتش چهارم روس ، مرکب از سه سپاه ، از سان بسمت ایوانگورود (Iwangorod) اعزام گردید چه در آن حدود عملیات جدیدی شروع شده بود .

نتیجه

عدم موفقیت روسها در آغاز عملیات گالیسی تأثیرات خود را نسبت فرماندهی روس بخشید .

فرماندهی مزبور از نقشه نخستین خود که ممکن بود بتایج قاطعی منتهی گردد

صرف نظر نمود و عملیات خیلی ساده‌ای که تقریباً عبارت بود از عقب راندن دشمن در خط جبهه اکتفا کرد. فقط ارتش ۵ و ناحده ارتش ۳ در مرحله آخر به عملیات مابوری مبادرت نمودند. سایرین بیشتر تصادمات جبهه‌ای پرداختند.

علت این رویه احتیاط آمیز فرماندهی روس گویا بیشتر در اثر واقعه هلاکت ارتش سامسوف بود. ژنرال ایوواف با کمال آهستگی و اطمینان و احتیاط بسوی فتح و ظفر رهسپار بود؛ مشارالیه بآن فتح باطل گشت ولی حداقل استقاده را از آن نمود. ارتش اطریش که میبایستی معدوم شده باشد فقط ضعیف گردید.

پس از ۹ سپتامبر ژنرال ایوواف کاملاً قادر بود که یک قسمت مهم ارتش ۹ و بلکه تمام آنرا بساحل چپ و بستول انتقال دهد، و باسوق آن قسمت کراکوی، از تمام فوائد تعقیب متوازی، بهره‌مند گردد. ولی این اقدام بعمل نیامد؛ تمام ارتشها در پایان عملیات در یک احیة باریکی مجتمع شدند، لذا مدت زیادی وقت برای تفکیک آنها لازم بود و این قضیه هم باز در اثر احتیاط کاری بوده است.

موزر، رویه فرماندهی اطریش را در این مرحله: «حرکات شطرنجی استراتژیکی و تاکتیکی» از روی یأس نامیده است، فی الواقع همینطور هم بوده است.

فرماندهی اطریش را نمیتوان ملامت کرد که از بکار بردن کلیه مساعی خود جبهه بیل بفتح خودداری کرده باشد، حتی در آن موقعی هم که هیچگونه امیدی برای فتح باقی نبود. کوشش زیادی بعمل میآورد. فرماندهی مزبور بچند ماور زیبایی، که بیشتر به اقبال و پیشآمد محول و کمتر بحساب صحیح، تنگی بود، مبادرت نمود.

قوای اطریشها با حال پریشان و تلفات سنگینی از حیث افراد و مواد جنگی با روحیه متزلزل از این عملیات خارج گردید. برای روسها راه بجلگه مجارستان تقریباً باز شد.

صحفۀ پروس شرقی - عقب نشینی ارتش یکم روس

نقشۀ طرفین (نقشۀ شماره ۱)

مقارن شکست ارتش دوم روس دو سپاه ویک لشکر سوار که فرما بدهی کل آلمان از جبهۀ فرانسه پروس شرقی اعزام داشته بود وارد شد و وضعیت مساعدی را برای هیندنبورگ موجب گردید. زیرا پس از اضمحلال نصف قوای روس، نیروی فرماندهی آلمان با سی درصد قوای تازه ضعیف تقویت میگردد.

اینک لازم میآید که نقشۀ عملیات بعدی تنظیم شود. برای آلمانها دو طرز

عمل وجود داشت:

۱ - یا اینکه تعهدات خود را نسبت باطریشها انجام داده و تعرض بسمت نارو (Narew) را ادامه دهند در این موقع که تئوری در وضعیت جبهۀ اطریشها حاصل شده بود، بدینوسیله بآنها مساعدت کنند.

۲ - یا قبلاً برداشتن ارتش رنن کامپف از جلوی خود مبادرت ورزند.

آلمانها ناآرامی در پروس شرقی در مقابل پنج سپاه رنن کامپف (سپاه ۲۶ نیز وارد شده بود) و سه سپاه شکست خورده ارتش دوم روس که بسمت نارو عقب نشسته بود، دارای ۸ سپاه بودند (با ضمام لشکرهای مستقل) که بچندین قلاع انکاء داشتند.

این تساوی قوا مانع بود از اینکه هیندنبورگ ارتش رنن کامپف را در پشت سر خود باقی گذاشته و بسمت نارو پیش برود، لذا مشارالیه ضربت خود را متوجه ارتش رنن کامپف ساخت. تناسب قوا و مزیت ارتش آلمان از لحاظ مانوری بیل بفتح را برای آلمانها کاملاً مطمئن میساخت.

فرماندهی آلمان تصمیم گرفت که ضربت را بجناب چپ ارتش رنن کامپف

ضمن احاطۀ آن وارد سازد که بدین طریق در راه عقب نشینی آنرا به کونو (Kowno) قطع کرده و آن ارتش را بقسمت سفلی «نمان» براند. برای این مقصود دو سپاه و لشکرهای احتیاطی لاندور و ساخلوهای قلاع در جنوب «لتسن» منمر گز شدند، چهار سپاه و ساخلوی کونیکسبرگ مأمور عملیات از سمت جبهه گردیدند.

فرماندهی روس حتی پس از شکست سامسوف از فکر تعرض صرف نظر نکرده بود و در نظر داشت که از عملیات مشترک سه گروه پراکنده و خارج از ارتباط عملیاتی ذیل استفاده کند :

از ارتش رنن کامپف (هسپاه و ه لشکر سوار) که در خط رودخانه های دیبهه - آله - اومت (Deime-Alle-Omet) تا دریاچه های ماوئر - (Mauer) قرار گرفته بود ، از بقیه ارتش دوم (سه سپاه) که بسمت نار و عقب نشسته بود و همچنین از قسمتهای مقدم ارتش ۱۰ جدید تشکیل که در ناحیه لیک - اوسوویتس (Lyck-Ossowitz) تمرکز یافته بود .

از قرار معلوم فرماندهی روس اسناد ماوئری ارتش آلمان را که هنوز کاملاً محرز نشده بود و نیز لزوم تشریک مساعی بسیار دقیق را در عملیات ابدأ در نظر نگرفته بود و همچنین آن احتیاج برمی که بتجدید و تقویت روحیه ارتش بوسیله ضربت اطمینان بهش بدشمن حاصل بود تشجیس نداده بود ، تمام این کیفیات عقب بردن ارتش رنن کامپف را ايجاب میکرد ، که پس از دائر نمودن ارتباط عملیاتی بین هر ۳ ارتش فقط آ بوقت مجدداً تعرض مبادرت شود .

در تمام این کیفیات ژرال ژباینسکی فقط يك نکته را در نظر داشت و آن لزوم مساعدت بفراسه از لحاظ اجرای معاهده فرانسه و روس بود .

ولی تعرض روسها عملی شد ، چه آلمانها روز ۸ سپتامبر خود بتعرض مبادرت نمودند .

جریان عملیات

در این روز معاربات در تمام جبهه شروع شد ، آلمانها فقط در جناح راست خود موفقیت حاصل کردند چه در آجا با قوای عظیمی بلشکر ۴۳ سپاه دوم روس حمله ور شده و آنرا بسمت مشرق دریاچه ها عقب راندند . لشکر سوار ساکسن در نزدیکی گلداب ، در عقب سر لشکر ۴۳ روس ظاهر شد . رنن کامپف مصمم گردید که بوسیله سوق سپاه ۲۰ و قوای مهم سوار نظام بجناح چپ خود ،

از حرکت احاطه ای آلمانها جلوگیری کند . ولی دستجات کوچک پیاده نظام روس قسمت ب قسمت وارد و داخل محاربه میشد ، و عملیات آن تحت هدایت واحدی واقع نبود و تقریباً هفت لشکر سوار نیز بطور غیر عامل عمل کرده و بعداً هم بکلی بمقرب جبهه رفته و میدان را برای عملیات لشکر سوار ساکسن آزاد گذاشتند ، ضمناً آلمانها بلشکر خود یکی دو توپ سنگین افزودند .

بدین واسطه ، احاطه ارتش روس از طرف آلمانها عمیقتر شده و برای روسها جنبه خطرناکی پیدا کرد ، مخصوصاً پس از محاربه قسمتهای مقدم ارتش دهم روس در نزدیکی لیک (Lyck) روز ۱۰ سپتامبر ، که موفقیت حاصل نکرده و بجانب اوگوستوو (Augustowo) و اوسوئیس (Ossowitz) عقب نشستند .

فقط شب ۱۰ سپتامبر رن کامپف تصمیم گرفت ارتش خود را بسمت مشرق حرکت دهد . با وجود تهدیدی که از طرف قوای مهم آلمان برای احاطه جناح چپ او بعمل میآمد و فضای وسیع را در آغاز عقب نشینی رن کامپف در عمق اشغال نموده بود معذورین کامپف توانست بوسیله راه پیمائیهایی خیلی سریع و معجل ، ارتش خود را تا روز ۱۴ سپتامبر بناحیه مغرب کونو (Kowno) و االیتا (Olita) عقب برد . در آن حال فقط لشکر سوار ساکسن در ناحیه گومبینن - استالوپنن (Gumbinnen - Stallupönen) راه شوسه نزدیک شده ، و در ستونهای ارتش و بنه های روس که در حرکت بودند تولیدی نظمی نمود .

این مرتبه نیز هیندنبورگ که فتح جدیدی را از دست داد ، وای معهدا ، آلمانها در اثر عقب نشینی سریع ارتشهای روس ، غنائم فراوان و اسرای زیادی بدست آوردند ، این عقب نشینی سریع و معجل روسها استعداد مبادرت بمعملیات مؤثر و عاملرا برای مدت مدیدی از آنها بکلی سلب کرد .

نتیجه

لوندرف موفقیت حاصله در مقابل رن کامپف را فتح شمشعی خوانده و از آلمانهای معاصر که کاملاً آنرا مورد تقدیر قرار نداده بودند قدری رنجیده بود .

در حقیقت هم نتیجه تمام عملیات عقب نشینی روسها برای آلمانها مشعشع بود، ولی نمیتوان آنرا يك فتحی نامید و بلکه برعکس بایستی تعجب کرد که آلمانها با آنکه دو روز وقت داشته و روز اول نیز سه سپاه در مقابل یکقسمت از سپاه روس (لشکر ۳ سپاه ۲) تمرکز داده بودند چگونه بقطع راه عقب نشینی رنن کامپف موفق نگردیدند.

از طرف روسها در این مورد نقشه عملیات تعرضی موضوع نداشته و این قصد یقیناً از لحاظ انجام معاهده فرانسه و روس بوده که بر اثر آن دوردرد اجرای عقب نشینی تاخیر حاصل شد.

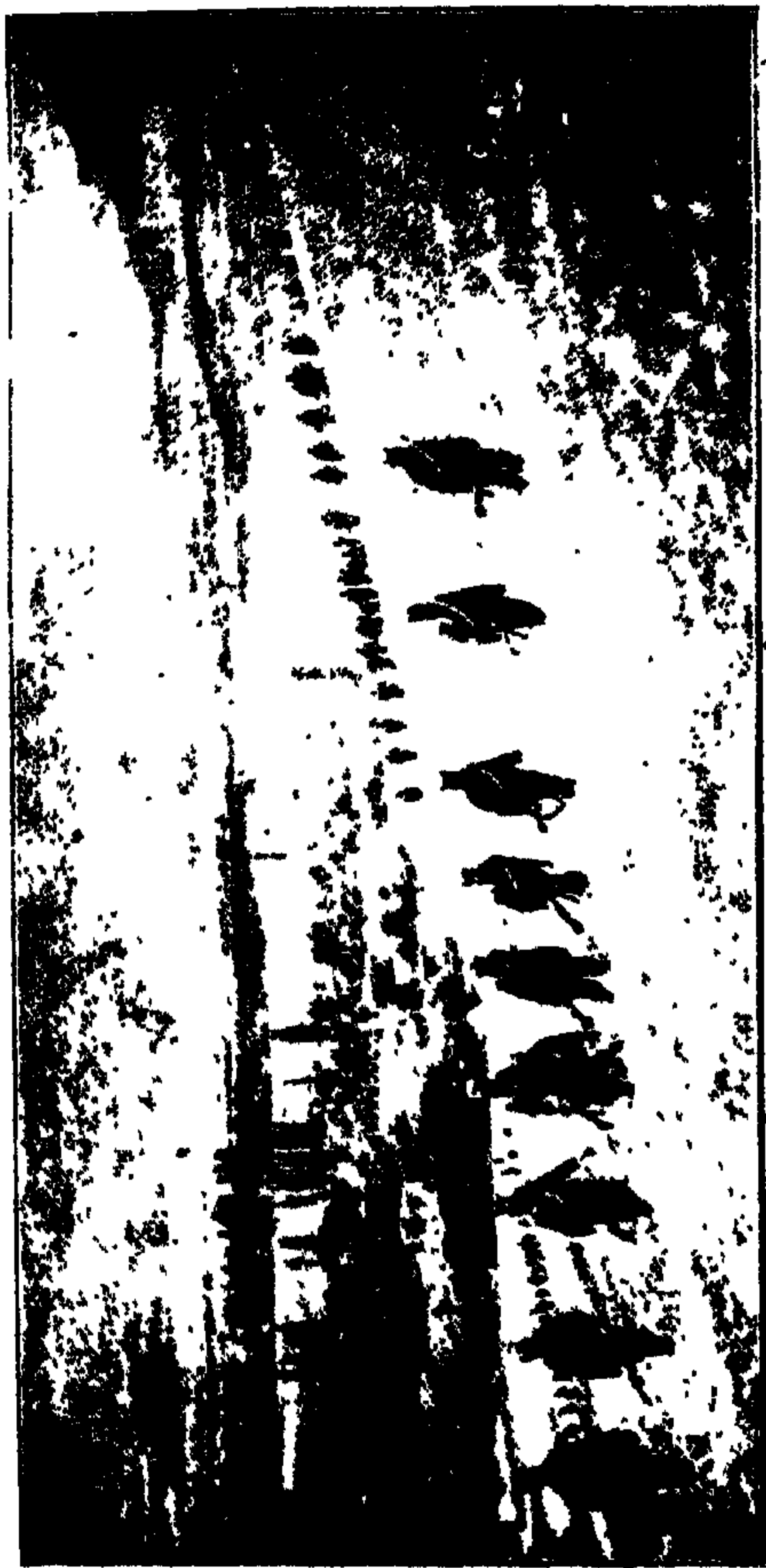
عواقب این عملیات برای آلمانها خیلی مهم بود چه آنها موفق شدند که پروس شرقی را موقتاً در مقابل نهاجم روس تأمین نموده و ارتش ۸ آلمان را برای عملیات دیگری آزاد کنند.

صحنه صربستان (نقشه شماره ۵)

اطریشها با وجود آنکه تمام توجهشان بسمت جبهه روس معطوف بود مع هذا روز ۷ سپتامبر در صربستان اقدام بتعرض ثانوی نمودند.

اطریشها قبلاً بادو سپاه از طرف میتروویتسا (Mitrovitza) اقدام بنمایش کرده و بعد بقیه قوا را در صد کیلومتری جنوب آن از خط درینا بجانب ازورینک (Zvornik) ولومبئوویا (Lombiovia) سوق دادند که با حرکت بسمت والیو (Valievo) جناح چپ ارتش صرب را احاطه کنند.

با وجود حملات روز ۸ و ۹ سپتامبر مع هذا سپاههای اعزامی بجانب میتروویتسا موفق بعبور از ساو (Save) نشدند؛ ولی عملیات گروه جنوبی در مدت دو ماه (تا ۶ نوامبر) عبارت از کوششهای بی ثمر اطریشها بود برای راندن صربها از ارتفاعات گروشو و (Grouchevo) و همچنین اقدامات صربها بمنظور راندن اطریشها بسمت رود درینا.



استقامت سرسبها - ياده نظام سرستان باصورت مدی الله

(بدر صبحه ۱۶۸)

اطریشها فقط پس از ۶ نوامبر که قوای امدادی بآنها رسید ، بطوریکه بعداً خواهیم دید ، توانستند بتمرض خود ادامه دهند .

نتیجه مرحله سوم

عملیات این مرحله بموفقیت مهمی پیروی متفقین در جبهه فرانسه و گالیسی منتهی شد ، روسها مجبور شدند بروس شرقی را تخلیه کنند ، مبارزه اطریشها با صربها تجدید گردید و مدیر عملیات ارتش آلمان عوض شد .

موفقیت های پیروی متفقین در جبهه فرانسه ، که تقریباً فقط اهمیت روحی داشت ، بوضعیت کلی طرفین چندان تغییری نداد . جبهه در کنار آن مستقر گردید . برای اجرای عملیات مانوری در جستجوی جهات دیگری بر آمدند .

ارتش روس در گالیسی اطریشها را مضطرب نکرد و بآنها مجال داد که بکراکوی (Cracovie) عقب نشینی کنند ، ولی راههای سمت کارپات (Carpathes) را روسها بروی خود گشودند .

در اثر تخلیه بروس شرقی از طرف روسها ، آلمانها قادر گردیدند که بیشتر باطریشها کمک نمایند .

انتصاب فالکن هاین (Falkenhayn) بجای ملتکه سبب شد که موضوع نقشه بعدی عملیات ارتش آلمان مورد بحث قرار گیرد ، بااینمضی که با تغییرات حاصله در وضعیت جبهه فرانسه آیا جبهه مزبور بایستی کمانی السابق جبهه اصلی شناخته شود و یا بایستی مرکز نقل عملیات بجبهه روس منتقل گردد . فالکن هاین ، بر خلاف هیندنبورگ ، مصمم گردید که اهمیت اصل را کمانی السابق بجبهه فرانسه دهد .

بخش هفتم

جریان جنگ در سال ۱۹۱۴

مرحله چهارم (از ۲۰ سپتامبر تا ۱۵ نوامبر)

صحنه غرب - مسابقه بطرف دریا : مرحله اول :
نبرد پیکاردی - نبرد ارتوا - مرحله دوم - مرحله
سوم - نبرد ایزر - نبرد لایباخه - نتیجه - صحنه شرق :
عملیات در لهستان و کنار رود سان - عقب نشینی
آلمانیها و اطریشیها ، و لغتة های جدید فرانسوی
روس ، صحنه لهستان - ورود عثمانی در جنگ - نتیجه .

صحنه غرب : مسابقه بطرف دریا (نقشه شماره ۱۲)

پس از خاتمة محاربات این که برای طرفین بدون نتیجه قطعی بود و مدتی
قبل از آنکه جبهه بین اوآز و سویس مستقر گردد ، فرماندهان نیروی فرانسه
و آلمان تقریباً در یک موقع تصمیم گرفتند از راه تجاوز بجناب بکدیگر ، که هنوز هم
د آزاده بود ، نتیجه قاطعی بدست آوردند .

ژنرال ژور از همان موقعیکه دشمن را پس از فتح مارن تعقیب میکرد این
مأموریت را بعهده ارتش ۶ واگذار کرده بود . ولی پس از آنکه دریافت ارتش
مزبور در جبهه خود کاملاً در گیر میباشد ، ناچار در جناح چپ خود ارتش جدیدی
تشکیل داده و مأمور ساخت جناح راست دشمنرا احاطه نماید .

از طرفی ، نیز دیدیم که فرماندهی کل نیروی آلمان در حکم مورخه ۱۱
سپتامبر خود دبترض جدیدی که میبایستی از جناح ۱ ت شروع شود اشاره مینمود .

بدین طریق ، هر دو حریف ، با فکر واحدی ، قوای زیادی بشمال اوآز
(Oise) سوق میدادند ، و قوای متعاضد بمحض رسیدن بمحل بکدیگر تجاوز
کرده و میدان پهناور جنگ را تا دریا امتداد میدادند . این مبارزه بسمت شمالرا

و مسابقه بطرف دریا ، (۱) نامیده اند .

قوای سوار نظام هر دو طرف در فضای آزاد مشغول جدال بوده تا موقعی که سپاههای تازه فس بوسیله راه آهن میرسید و آنها را تعویض میکرد ، لذا محاربات متعددی در جریان بود . بطریق فوق ، طرفین تدریجاً بدریا نزدیک شده و روز ۲۰ اکتبر بدر با متصل شدند و جبهه جدید تقریباً از نیوپور (Nieuport) تا کمپین (Compiègne) تشکیل یافت .

در این عملیات ، میتوان گفت که فرانسویها و آلمانها ، از لحاظ جریان عمل ، خطوط آهن و مهارت تشکیلاتی ، حقیقتاً بایکدیگر مسابقه میکردند .

در این مسابقه ، طرفین خود را در مرتبه عالی و برابری نشان دادند .

در اینجبهه جدید آلمانها ۱۸-پناه و ۴-پناه سوار که تشکیل ۳ ارتش (۲-۶-۴) را میداد تمرکز دادند .

نیروی متفقین ، در این صحنه جدید ، عبارت بود از ۳ ارتش فرانسه (۲-۱۰-۸: یعنی متجاوز از ۳ لشکر پیاده ، ۸ لشکر سوار و قسمت اعظم قوای سوار نظام) ، ارتش انگلیس که از جبهه ان عقب نشسته بود و بکنار رودلیس (Lys) انتقال یافته بود ، و ارتش بلژیک که از آنورس (Anvers) خارج شده بود . عملیات فوق به مرحله تقسیم میشود :

مرحله اول (۲۵ سپتامبر - ۴ اکتبر)

نبرد پیکاردی (Picardie) - نبرد آرتوا (Artois)

فرمانده کل نیروی فرانسه روز ۱۷ سپتامبر ، ژنرال دوکاستانو (de Castelnau) و ستاد ارتش دوم و همچنین سپاه ۲۰ را از لرن تعویض نمود . روز ۲۰ سپتامبر ، ژنرال دوکاستانو فرماندهی کلیه قوای مغرب و شمال اوآزرا بعهده گرفت . نیروی فرانسه بلافاصله با ارتش دوم آلمان که در ان با ارتش ۷ (Heeringen) اعزامی از آلزاس تعویض شده بود مصادف گردید . از ۲۲ تا ۲۶ سپتامبر ، ارتش ۲ فرانسه

(۱) La course à la mer.